



مقایسه دو داستان از فردوسی و دقیقی با رویکرد سبک‌شناسی ساختگرا

سوسن فتوحی تکانتپه^۱، امیرحسین توحیدی فر^۲، دانیال اسماعیل بیگی^۳، ناصر محمودی^۴

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان کردستان

۲- دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی

۳- دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی

۴- دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی

چکیده

سبک‌شناسی ابزاری مفید برای شناسایی بسیاری از شاخص‌های زبانی و فکری شاعر است. رویکرد سبک‌شناسی ساختگرا که با روش لایه‌ای همراه است یکی از روش‌های سبک‌شناسی نوین است. در این روش، متن ادبی را به عنوان کلان لایه، به لایه‌هایی ریزتری تجزیه کرده و با بررسی خردلایه‌های متنی و تشخیص ویژگی‌های برجسته یا پربسامد، به مطالعه سبک می‌پردازد. در همین راستا پژوهش پیش روی به بررسی دو داستان اسفندیار و بیدرفش از دقیقی و گردافرید و سهراب از فردوسی از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای پرداخته و اشعار این دو را در لایه‌های زبانی، فکری و ادبی با رویکردی توصیفی-تحلیلی کاویده است. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد، دقیقی و فردوسی از شاعران صاحب سبک خراسانی هستند که در سروده‌های ایشان مشخصه‌های سبک فردی به چشم می‌آید: برجسته سازی مفاهیم و مضامین که عمدتاً آرمانی و ایدئولوژیک هستند و در قالب وطن‌دوستی و تبلیغ دین زرتشتی نمود پیدا می‌کند، استفاده از واژه‌های نشان دار که در موسیقی کناری نقش عمده‌ای دارند، استفاده از عناصر بلاغی همچون استعاره‌ها و تشبیهات از ویژگی‌های بارز سبکی این دو بشمار می‌روند که در عین سادگی و روانی بیان شده و به مخاطب عرضه گشته است.

کلمات کلیدی: ادبیات حماسی، سبک خراسانی، دقیقی، فردوسی، سبک‌شناسی ساختگرا